

گونه‌شناسی ادبیات شفاهی کودکان؛ کرمانشاه

* مریم‌السادات میرحیدری

** پریسا سعیدی

چکیده

کودک در هر فرهنگی طیف وسیعی از عناصر فرهنگی را به خود اختصاص می‌دهد. آداب و رسوم، عقاید و باورها، بازی‌ها، ترانه‌ها و لالایی‌های کودکان، پدیده‌های فرهنگ عامه و مردمی هستند که مفاهیم عمیقی از اخلاق و حکمت عملی زندگی را دربردارند و نسل قدیم را به نسل جدیدتر خود پیوند می‌دهند. در این مقاله جایگاه کودک در ادبیات شفاهی، آیین‌ها، مراسم و باورهای عامیانه مردم کرمانشاه، میزان توجه، ارزش و اهمیت به کودک در این فرهنگ بررسی و تحلیل شده است و علاوه بر گردآوری، ضبط و ثبت میراث مربوط به کودکان کرمانشاهی، به نقش و جایگاه کودک در فرهنگ این خطه، چگونگی تعلیم و تربیت کودکان و همچنین دقت در مضامین و محتوای لالایی‌ها پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ مردم کرمانشاه، ادبیات شفاهی، کودکانه‌ها در

کرمانشاه، کودک در ادبیات شفاهی کرمانشاه

*کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی و پژوهشگر بنیاد ایران‌شناسی

m.s.mirheidari@gmail.com.

**دانشجوی کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال

parisa.saeedi82@gmail.com

مقدمه

فرهنگ عامه با ابعاد گسترده خود منبعی مهم در شناخت افکار، باورها، اندیشه‌ها و تنوع زندگی هر قوم و ملتی به حساب می‌آید. امروزه، با توجه به ظهور فرهنگ‌های جدید و سیطره بر فرهنگ‌های بومی و قومی در رو به زوال نهادن آن، جمع‌آوری، شناخت و ثبت فرهنگ اقوام و مجموعه آداب و رسوم، تجربیات، باورها، اعتقادات، روحيات و نحوه گذران زندگی گذشته و حال آنها امری واجب و ضروری می‌نماید. البته گفتنی است، هرچند یادآوری و ثبت چند ترانه، ضرب‌المثل و لالایی به تنهایی معرف یک جامعه نیست، اما بیان روابط آنها با روحيات، آرزوها و خواسته‌های مردم آن جامعه یکی از ضروریات مطالعات مردم‌شناسی محسوب می‌شود.

ادبیات عامه کودکان که یکی از زیرشاخه‌های ادبیات عامه است، همواره مورد توجه مردم‌شناسان بوده و هست. با بررسی و پژوهش در فرهنگ عامه، می‌توان تا حدودی از جایگاه کودک و انتظارات والدین و بزرگ‌ترها از او و نگرش آنان به وی و نقش کودک در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، آگاه شد.

بررسی جلوه‌های گوناگون فرهنگ مردم استان کرمانشاه نشان‌دهنده این واقعیت است که مردم این دیار مانند اقوام و طوایف ایرانی دیگر، به کودک، علائق و خواسته‌های او و اهتمام به تعلیم و تربیت او براساس باورها، اعتقادات و قوانین حاکم بر این فرهنگ، توجه زیادی نشان داده‌اند. پدید آمدن آداب و رسوم و گونه‌های مختلف ادبیات عامیانه، ضرب‌المثل‌ها و بویژه ترانه‌های کودکان، حاصل این توجه و اهمیت به کودک و خواسته‌های اوست.

گونه‌شناسی ادبیات شفاهی کودکان؛ کرمانشاه ❖ ۱۰۷

این مقاله برآن است تا جایگاه کودک را در ادبیات شفاهی، آیین‌ها، مراسم و باورهای عامیانه مردم کرمانشاه و میزان توجه، ارزش و اهمیت به کودک را در این فرهنگ مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. این مقاله با روش قوم‌نگاری (اتنوگرافی) و به‌صورت توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است. ابزار گردآوری اطلاعات بیشتر به‌صورت مطالعه اسناد و مدارک و کتابخانه‌ای بوده است. نمونه مورد بررسی بخشی از کودکانه‌های کتبی (موجود در دسترس) و شفاهی کودکان است که در طول سال‌های متمادی برای کودکان این منطقه پدید آمده است.

جایگاه کودک در ادبیات شفاهی مردم کرمانشاه

ادبیات عامه برای کودکان، بخشی از ادبیات کودکان و نوجوانان است که فراخور فهم و درک و مطابق ذوق و علاقه آنها نقل و بیان می‌شوند. کودکان به یاری این بخش از ادبیات عامه با پدیده‌های دنیای پیرامونشان و طبیعت و ویژگی‌های فرهنگ جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند آشنا شده و راه اندیشیدن و عمل کردن را طبق الگوهای فرهنگی خود می‌آموزند (گروه نویسندگان، ۱۳۷۱: ذیل ادبیات عامه برای کودکان). فولکلور یا فرهنگ عامه همچنان که سرآغاز پیدایی همه هنرهاست، سرآغاز ادبیات و بویژه ادبیات کودکان نیز هست. لالایی‌ها، مثل‌ها، ترانه‌های کودکان، افسانه‌های خردسالان، داستان‌های ماجراجویی و حماسی و عاشقانه و اسطوره‌ها که همه زاینده تخیل و تفکر مردم اعصار مختلف هستند، بنیاد و اساس ادبیات کودکان و نوجوانان را تشکیل می‌دهند، بنابراین ادبیات کودکان سرچشمه در فولکلور و فرهنگ عامه دارد و به کهنسالی بشر بر روی زمین است. (انوشه، ۱۳۷۶: ۵۹)

کردها از ادبیات شفاهی پرمایه‌ای برخوردارند، از این‌رو معمولاً جملات گفتاری خود را با بسیاری از ضرب‌المثل‌ها و نقل‌های ساده و عبارات موزون و قافیه‌دار می‌آرایند. از ابتدای قرن بیستم به بعد بسیاری از پژوهشگران خارجی که به ادبیات پرمایه کردی علاقه‌مند بودند، ادبیات شفاهی کردها را به اشکال مختلف ضبط و جمع‌آوری کرده‌اند. ترانه‌های عاشقانه (لاوک) و ترانه‌های شاد (دیلوک) و اشعار محزون عزاداری‌ها (شین) و لالایی‌ها و... از مصادیق فرهنگی کردها و جزو زندگی روزمره آنهاست. (عامریان و شیوا، ۱۳۹۰: ۱۹۶)

۱. لالایی‌های کودکانه

ترانه‌های کودکانه گردآوری شده از مردم کرمانشاه شامل لالایی‌ها،

ترانه‌های نوازشی، ترانه‌های نیایشی، بازی‌ترانه‌ها و کارترانه‌ها (کارآواها) است که از نکات اخلاقی، تربیتی و پرورشی بسیاری سرشارند. کودکان با شنیدن و تکرار آنها در واقع پیوند خود را با



فرهنگ پربار گذشتگان حفظ کرده و تجارب آنان را به کار گرفته و فرایند فرهنگ‌پذیری را طی می‌کنند.

هدف کلی این ترانه‌ها توجه به خواسته‌ها و علایق کودک در سنین مختلف است و به نوعی حامل خلاقیت گذشتگان این مردم و توجه آنان به روحيات و عواطف لطیف کودکانه است. بعضی از ترانه‌های کودکانه ممکن است در وهله

گونه‌شناسی ادبیات شفاهی کودکان؛ کرمانشاه ❖ ۱۰۹

اول بی‌بها و بی‌معنی به نظر برسند، اما در حقیقت از لحاظ وزن و شکل قافیه، بداهه‌گویی، ابتکار و از همه مهم‌تر، رسیدن به هدف اصلی خود حائز اهمیت هستند. هدف عمده ترانه‌ها، لذت و شادی است که به کودک دست می‌دهد. در ترانه‌های نیایشی مادر، کودک را با نیایش آشنا می‌سازد و این ترانه‌ها با آموزش و کارکردهای بی‌بدیل خود بسیاری از اصول مذهبی، اخلاقی و اجتماعی را برای همیشه در ذهن کودک ثبت می‌کنند.

کردها از دیرباز، برای پرورش کودک، اهمیت زیادی قائل بوده‌اند. این موضوع در کتاب‌های دینی و آیین‌های مختلف نیز به چشم می‌خورد. اولین شاعر و نویسنده کرد که برای کودک کتاب نوشت، احمدخانی است. وی سیصد سال پیش، کتاب «نوبهار کودکان» را برای کودکان به رشته تحریر درآورد. وی در مقدمه این کتاب می‌نویسد: «این کتاب را برای کودکان کردستان نوشته‌ام نه برای بزرگان.» (صفی‌زاده، ۱۳۷۸: ۶)

در جایی دیگر صفی‌زاده (۱۳۷۸) می‌گوید: «در فولکلور کردی، بیش از صد نوع لالایی داریم. زنان کرد، در هنگام خواباندن کودک، این لالایی‌ها را می‌خوانند. در میان کردان، ترانه‌های بسیاری رواج دارد که چندین ترانه مخصوص کودکان است. از جمله ترانه شمارش، ترانه و سرود دبستان، ترانه آموزگار، ترانه متل و چیستان، ترانه‌های بازی مانند ترانه بلندکردن مرده با پنج انگشت، ترانه روباه، ترانه انواع درخت و میوه مانند ترانه سرو، ترانه صنوبر، ترانه سیب، ترانه انار، ترانه پرتغال، ترانه انجیر، ترانه گلابی و نظایر آن. خواندن ترانه‌های کودکانه بخش مهمی از ترانه‌های عامیانه را تشکیل می‌دهند. در بخشی از نقاط کردنشین، لالایی‌هایی با مضمون‌های خاص برای فرزندان خوانده می‌شوند تا کودک از درون گهواره برای جدال با زندگی آماده شود.

۱۱۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

لالایی که در کردی با واژه‌های «لاوه‌لاوه» و «لای‌لای» نامیده می‌شود، در میان کردها ریشه کهن و بسیار قدیمی دارد.»

در بیان ترانه‌های کردی مانند ترانه ترکی و ترکمنی احساسات عشقی، عرفانی، فروتنی‌ها، غم‌ها و شکایت‌ها و تمناها خودنمایی می‌کنند، زیرا گویندگان و خوانندگان آنها مردمان ساده‌ای بوده‌اند که فکر طبیعی خود را درباره احساسات، واقعیت‌ها، حوادث، خواسته‌ها و آرزوها به کار برده‌اند. (میرنیا، بی‌تا: ۱۷۹)

لالایی، شعرگونه کوتاه و آهنگینی است که مادر برای خواباندن کودک خود می‌خواند. لالایی از گذشته‌های بسیار دور، در میان همه قوم‌ها وجود داشته، سینه‌به‌سینه بازگو شده و به زمان ما رسیده است. لالایی، کودک خردسال را با کلمه‌ها و آهنگ آنها آشنا می‌کند. لالایی روزگاران کهن، سراینندگان شناخته‌شده ندارد. آنها را بیشتر مادران پدید آورده‌اند و مهربانی‌ها و نگرانی‌های خود را در آنها بازگو کرده‌اند. (گروه نویسندگان، ۱۳۷۱: ذیل ادبیات کودکان و نوجوانان)

لالایی پیوندی مستقیم با شرایط روحی و روانی مادران دارد که از متن آنها می‌توان به ابعاد زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زمان سرایش آنها نیز پی برد. لالایی‌ها آینه باورها و شیوه زندگی انسان‌ها و پیوندهای خانوادگی و اجتماعی‌اند. برای مثال مادران کرد بر این باورند که کودک از سه‌ماهگی به بعد، قادر به شنیدن است، به همین دلیل پیش از آن لالایی نمی‌خوانند و زمزمه‌های لالایی را پس از سه‌ماهگی در گوش او ترنم می‌کنند. (سلیمی و کهریزی، ۱۳۸۷: ۱۱)

بسیاری از لالایی‌های کردی، بلوچی، آذری و دیگر نقاط ایران به سبب گویش محلی خود نگهدارنده زبان و گویش سرزمین خود هستند و واژگان و

گونه‌شناسی ادبیات شفاهی کودکان؛ کرمانشاه ❖ ۱۱۱

اصطلاحاتی که در آنها به کار رفته قابل تأمل است. این لالایی‌ها اگر با گویش خود خوانده شوند حال و هوای پرشوری دارند در لالایی‌ها و ترانه‌های کردی، مادران هنرمندانه گوش کودک را با کلام، وزن و ریتم آشنا می‌سازند و ویژگی بداهه‌گویی را به کودکان خود منتقل می‌کنند. هدف اصلی لالایی ایجاد آرامش متقابل مادر و کودک است.

بسیاری از لالایی‌ها از نظر جامعه‌شناسی ارزشی ویژه دارند. برای مثال در بیشتر لالایی‌های کردی، مادر ضمن نوازش کودک، به این موضوع اشاره می‌کند که پدر کودک بیرون از خانه در حال جنگ و مبارزه با ظالمان و اهریمنان است.

لالایی، ری دی lâlâyi, ridi

لالی‌لا، بچه مادر

لالی‌لا، رلا دی lâylîlâ, rolâdi

چرا خوابت نمی‌آید، پدرت رفته برایت تفنگ بخرد

مرا یک خت، اسبیت بی زین دک marâ yek xat asbit bizin dak

مادرت، اسبش را زین می‌کند (پیرنیا، ۱۳۶۹: ۴۸۵)

این لالایی که از زمان‌های بسیار دور به یادگار مانده است ده هجایی و از اوزان قدیم ایرانی است. همه اشعار تک‌بیتی و فولکلوریک ترانه‌های کردی نیز بر همین وزن است: مستفعلن فا، مستفعلن فا (تَنَّن تَن تَن تَن تَن تَن)

روله لای لایه، کورپه‌م لای لایه rula lây lâya, kurpam lây lâya

فرزندم لالا، دلبندم لالا

نزانم بوچی ده‌نگیت ده‌رنایه nazânam bo ðangit darnâya

نمی‌دانم چرا صدایت در نمی‌آید

â ime vohu vahi itm asti	ناشیمه ووهوو وههیشتم نهستی
	راستی و داد بهترین است، پاکی، خوشبختی است
ou t astiya ou tâ ahmâyi	ئووشتا نهستی یه ئووشتا نههمایی
	خوشبختی برای کسی است که هرکاری را برای راستی و داد انجام دهد
hiyat a 9yi vahi 9ty a im	هی یهت نهشایی وههیشتای نهشیم
	همان گونه که خداوند راستی و دادگری دارد
yatâ âhova tiriyo athâ	یه تا ئاهوووه تیری یو نهتها
	رئیس نیز باید برپایه راستی و دادگری برگزیده شود
vanga ho a 9 dazd9 9manang	وهنگه هو نهشا دهزدا ئامه نهنگ
	تا همه کردارها، از روی راستی و خرد انجام شوند
hiyat a âyi vahi âty a im	هی یهت نهشایی وههیشتای نهشیم
	همان گونه که خداوند، راستی و دادگری دارد
xi are mi â âhorâyi â	خشتهری میچا ئهورایی ئا
	و نیک کرداری، با نیروی اهورایی پرورش یابد
yim dirgo piyo dadat râstârim	ییم درگو پی یو ددهت راستاریم
	و به یاری ناتوانان و فقیران بشتابد
rula lây lâya, korpam lây lâya	روله لای لایه، کورپه م لای لایه
	فرزندم لالا، دلبندم لالا

۲. داستان‌ها و افسانه‌های کودکان

قصه و افسانه به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های اصلی ادبیات شفاهی، در طول دوران حیات خود، به صورت جریانی زنده و پویا حرکت کرده و به

گونه‌شناسی ادبیات شفاهی کودکان؛ کرمانشاه ❖ ۱۱۳

زندگی خود ادامه داده است. قصه‌هایی که پیش‌تر، مادران و مادر بزرگ‌ها از مادران خود شنیده و چیزهایی از آنها را در ذهن خود حفظ کرده، سپس همراه با دردها و آرزوهای خود و هم‌زمان با تحولات زمانه و همچنین با توجه به شرایط و نیاز کودک، آن را به بهترین شکل درآورده بودند با نقل‌شان ساختار ذهنی کودک را شکل می‌دادند. افسانه‌ها تجربه‌های مشترک و گاه متفاوت همه تاریخ و جوامع را با خود به همراه دارند.

در این میان افسانه‌های کردی رنگ و بوی دیگری دارند. تعبیرها و ترکیبات زیبا و لطیفی در لهجه‌های کردی و کردی کرمانشاهی وجود دارد. (درویشیان، ۱۳۷۵: ۲۲-۲۱)

قصه‌ها و افسانه‌های کرمانشاهی مانند بیشتر افسانه‌های ایرانی، حکایت مبارزه انسان با طبیعت، مبارزه با دیوان و دشمنان و حاکمان مستبد و خودرأی است. سرنوشت بدکاران در قصه‌ها، ذلت و خواری و سرانجام نیکوکاران، پیروزی و شادکامی است. در قصه‌های کردی باورها، اعتقادات، راه و رسم زندگی اجتماعی، مسائل فلسفی و روانشناسی و تاریخی نهفته است. همچنین در آنها خداپرستی، دلدادگی، مبارزه، کسب‌وکار و طنز و شوخی نیز دیده می‌شود.

از داستان‌ها و افسانه‌های کردی می‌توان به «خورشید و خاور»، «زنبیل فروش»، «رستم و زواروا»، «نادر و توپال»، «دروازه سوار مریوان» و... اشاره کرد که دارای موضوعات عاشقانه، رزمی، حماسی و اخلاقی هستند. (عامریان و شیوا، ۱۳۹۰: ۱۹۶)

«پاتوره و پیری (نام پسر و دختر)» «ملک جمشید و ملک محمد»، «امیرارسلان» و «قصه حسین کرد شبستری»

افسانه‌ها و متل‌های کردی چنین آغاز می‌شوند:

yeki be yeki navi	یه کی ب یه کی نه وی یکی بود یکی نبود
qeyre xodâ kaxsi navi	غیره خودا کخ سی نه وی غیر از خدا هیچکس نبود
kusa mard kafan navi	کوسه مرد کفن نه وی کوسه مرد کفن نداشت
kafan la hamadân bi	کفن له همه‌دان بی کفن در همدان بود
saga siyay livebân bi	سه گ سی یی لیو بان بی سگ سیاه لب بام بود
m kola malavân bi	چه مچه کوله مه‌له وان بی قاشق کوتاهه (نوزاد قورباغه) شناگر بود
qan aqe dâre gerdakân bi	چه غنچه غ دار گرده‌کان بی چغ چغ درخت گردو بود
la bana drozenter navi	له بنه دروزن تر نه وی از بنده دروغ‌گوتر نبود
laqalâ rosi yater navi	له غه لا روسی یه تر نه وی از کلاغ روسیاه‌تر نبود
la kora begrim la kora be nian	له کوره بگریم له کوره بشنه‌یم؟ از کجا بگیریم (آغاز کنیم) از کجا بشنویم؟ (درویشیان، ۱۳۷۵: ۱۶)

۳. کودک در ضرب‌المثل‌ها

ضرب‌المثل‌ها و تمثیل‌ها نتیجه و محصول سال‌ها و گاه قرن‌ها تجربه یک ملت و بیانگر ذوق و قریحه و صفات روحی، اخلاقی، افکار، تصورات و آداب و رسوم و بخشی از فرهنگ اصیل آنهاست. مثل‌ها در طول سالیان متمادی همانند گوهرهایی گران‌بها به نسل‌های بعد منتقل شده‌اند و اصالت و ارزش خود را حفظ کرده‌اند. مثل‌ها انعکاسی از تجربیات شخصی و اجتماعی و سرشار از نکات حکمت‌آمیز و عبرت‌آموزند که به موجزترین شکل ممکن بیان شده و بیانگر قوه درک عمیق مردم از مسائل و مشکلات روزمره زندگی‌شان هستند.

در فرهنگ مردم کرمانشاه، ضرب‌المثل‌هایی وجود دارد که به کودک و نوجوان و زندگی و تربیت وی مربوط می‌شوند و نشان‌دهنده آن است که در فرهنگ قوم کرد به تربیت کودک در همان سنین طفولیت تأکید می‌شده و تعلیم و تربیت در خانواده‌ها به شیوه سنتی و مبتنی بر استفاده از تجربیات بزرگ‌ترها بوده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

bâb âgây la kuri xoy niya باب ناگای له کوری خوی نییه

پدر از پسرش آگاه نیست. (آشوب و هرج و مرج است)

har ka turyâ ba i æryâ هرکه توریا بشی خوریا

هرکس قهر کرد، سهمش خورده می‌شود.

زبانزد پدر و مادرائی که بچه‌های آنها سر سفره غذا قهر می‌کنند و آنها دوست ندارند بچه‌هایشان لوس از آب درآیند.

dâykân bibined kicân bixvâze دایکان ببیند کچان بخوازه

مادران را ببین و دختران را خواستگاری کن

- ke bu dâyki xeyre xulâye کچ بو دایکی خیری خولایه
دختر برای مادر خیر خداست یا خیر محض است.
- ke xo imæ kare کچ خو شیرن کهره
دختر خود شیرین کننده است. (یعنی دختر بچه خودش را در نظر اطرافیان
شیرین و محبوب می کند.)
- kuri bâbyati کوری بابیه تی
پسر پدرش است. (یعنی خو و خصلت پدر را دارد.)
کور ئه گهر چاک بی مالی بابی بو چییه ئه گهر خراب بی لی خه ساره
- kur agar âk be mâli bâbi bo یا agar xerâp be ley xasâre
پسر اگر خوب باشد مال پدرش برای چه است
اگر خراب باشد، بر او خسران است. (یعنی پسر اگر خوب باشد خودش
مال پیدا می کند، اگر بد باشد ارثیه هم به او برسد، آن را نابود می کند.)
از مطالعه ضرب المثل های کرمانشاهی چند نکته به دست می آید:
۱. در بسیاری از موارد هدف از به وجود آمدن ضرب المثل ها، تربیت و
آموزش درست کودک به بهترین شیوه بوده است.
۲. به تربیت دختران بیش از پسران اهمیت داده می شد، و قوانین و مقررات
سخت تری برای دختران اعمال می شد، پسران از آزادی عمل بیشتری برخوردار
بودند.
۳. به دنیا آوردن پسر برای مادر امتیاز محسوب می شد البته این نگاه ناشی
از نیاز به وجود نیروی جسمی مردان و پسران برای کارهای سخت و همچنین
اعتقاد به ادامه نسل از طریق پسر، سرچشمه می گرفت.

گونه‌شناسی ادبیات شفاهی کودکان؛ کرمانشاه ❖ ۱۱۷

۴. در ضرب‌المثل‌ها به نقش و وجود مادر در جایگاه کسی که دختر تجربیات او را به‌کار می‌بندد، تأکید بسیار شده است.

۴. بازی‌ها و سرگرمی‌های کودکان

بازی‌های سنتی مانند دیگر عناصر فرهنگی سنتی و عامیانه، حاصل اندیشه، احساس، تخیل و ابتکار جمعی است و پدیدآورنده مشخصی ندارند، به عبارتی این بازی‌ها از دل زندگی روزمره و عادی مردم می‌جوشند و یکی از جلوه‌های مختلف فرهنگ عامه محسوب می‌شوند.

بازی‌های سنتی قواعد کلی و عمومی دارند که عبارت‌اند از:

- شیوه یارگیری

برای یارگیری بازی‌هایی که دو گروه در آنها شرکت دارند، دونفر سردال (سردار) انتخاب می‌شوند و آنان یارگیری را به چند روش انجام می‌دهند:

۱. نفرات شرکت‌کننده در بازی دوبه‌دو با هم و دور از دو سردار می‌روند به طوری که صدای آنها شنیده نشود، برای خود نامی چون خورشید، ماه، سنگ، جواهر، میوه و... انتخاب می‌کنند. سپس دو نفر نزد سردار می‌آیند و برای مثال می‌پرسند: خورشید یا ماه؟ دو سردار بنا به سلیقه خود هر کدام یکی از دو نام را انتخاب می‌کنند و بدین شیوه یارگیری نفرات هر گروه انجام می‌گیرد.
۲. زره مشتکی: از روش‌های دیگر یارگیری این است که یکی از بازیکنان در فاصله‌ای دورتر از دو سردار، سنگ‌ریزه‌ای را در مشت خود پنهان می‌کند و با مشت‌های بسته نزد آنها می‌آید. هرکدام از دو سردار بتواند درست حدس بزند که سنگ در کدام مشت است، آن بازیکن جزو نفرات تیم وی خواهد شد.

۳. روش آزاد: حالت دیگری است که دو سردار به انتخاب خود افراد شرکت‌کننده را برای تیم خود انتخاب می‌کنند.

- روش‌های قرعه‌اندازی برای تعیین گروه آغازگر بازی

۱. خط یا شیر (استفاده از سکه)

۲. تر یا خشک: در این روش یک طرف سنگی صاف را با آب دهان خیس کرده و دو سردار هرکدام یک طرف (خشک یا تر) سنگ را انتخاب کرده، به هوا پرتاب می‌کنند، هنگام پایین آمدن سنگ، طرف انتخابی هر گروه که به سمت بالا بود، آن گروه آغازگر بازی خواهد بود.

۳. زره مشتکی: به همان شیوه قبلی که ذکر شد، با این تفاوت که این بار شخص بی‌طرف سنگ‌ریزه را در مشت پنهان می‌کند تا یکی از دو سردار حدس بزند که سنگ در کدام دست است و برنده آغازگر بازی خواهد بود.

۴. روش دیگر توافق دو سردار برای شروع بازی است.

بازی‌های سنتی از مؤثرترین راه‌های یادگیری و تجربه‌اندوزی محسوب می‌شوند. آموزش مهارت‌های زندگی، نقش‌های اجتماعی و مسئولیت‌پذیری، بهبود روند یادگیری، هماهنگی اعضای مختلف بدن و مهارت‌های تصمیم‌گیری را از دیگر فواید فعالیت‌های حرکتی بازی‌های محلی و سنتی می‌توان برشمرد.

آنچه در این بازی‌ها بیشتر به چشم می‌خورد مشارکتی بودن آنهاست. در بیشتر بازی‌ها جنبه گروهی و اجتماعی بودن بازی‌ها مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته است. مانند «بازی باخ و روی»، «کاواشان»، «اخن‌اخن»، «آسیا و خراوه»، «ترخن‌بازی». این بازی‌ها به صورت گروهی بوده و با فعالیت‌های حرکتی همراه هستند، که با رشد حسی - حرکتی کودک، او را در کسب مهارت‌های

گونه‌شناسی ادبیات شفاهی کودکان؛ کرمانشاه ❖ ۱۱۹

حرکتی که یکی از عوامل زیربنایی فعالیت‌های شناختی است یاری می‌رساند. به طور مشخص در این گونه بازی‌های میدانی، استعداد‌های کودکان بروز می‌یابد و موجب افزایش توان ذهنی و فیزیکی آنها می‌شود. همچنین این بازی‌ها تأثیر عمده‌ای بر روند رشد اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی کودکان خواهد داشت.

جمع‌بندی

فرهنگ عامه با ابعاد گسترده خود منبع مهمی برای شناخت افکار، باورها، اندیشه‌ها و تنوع زندگی هر قوم و ملتی به‌شمار می‌رود. توجه به جلوه‌های گوناگون و متنوع آن، جمع‌آوری و ثبت و ضبط این فولکلور در شرایط مدرن امروزی که سنت‌های دیرین گذشته روزبه‌روز کمرنگ یا رو به فراموشی می‌روند، بسیار حایز اهمیت است.

حاصل این اهمیت، به وجود آمدن ادبیات ارزشمند کودکان است که ترانه‌هایی درخور توجه برای کودکان را در خود جای داده است؛ ترانه‌هایی که ریشه در گذشته دور مردم این سرزمین دارد و لالایی‌هایی که از کهن‌ترین و زیباترین ترانه‌های عامیانه هستند و از ژرفای درد و رنج و اندوه تاریخی یک ملت حکایت دارد و نشان از این است که مادران چگونه آمال و آرزوها و خواسته‌هایشان را در باب آینده فرزندان‌شان در قالب لالایی با ساده‌ترین و زیباترین واژه‌ها برای کودکان خود زمزمه می‌کنند تا ملکه ذهن و اندیشه آنان گردد.

با بررسی ادبیات کودکان در فرهنگ مردم کرمانشاه می‌توان از چگونگی تعلیم و تربیت کودکان در این منطقه آگاه شد، تا آن جاکه با گذشت زمان‌های

بسیار، هنوز هم والدین با به کار بردن ضرب‌المثل‌های تمثیلی، ارزش و اصالت این جنبه از ادبیات را حفظ کرده‌اند. با بررسی نمونه‌های پرارزش ضرب‌المثل‌های این قوم به راحتی می‌توان جایگاه بازر کودک را در آن مشاهده کرد. مردم کرمانشاه به تربیت کودکان از همان سنین طفولیت تأکید می‌ورزند و تعلیم و تربیت در خانواده به شیوه سنتی و مبتنی بر استفاده از تجربیات بزرگترها انجام می‌گیرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

الف) کتاب

۱. انوشه، حسن (۱۳۷۶). دانشنامه زبان و ادب فارسی. تهران: سمت.
۲. پیرنیا، سیدعلی (۱۳۶۹). فرهنگ مردم (فولکلور ایران). تهران: پارسا.
۳. درویشیان، علی‌اشرف (۱۳۷۵). افسانه‌ها و مثل‌های کردی (۷۰ قصه عامیانه ایرانی). تهران: چشمه - خنیا.
۴. سلیمی، هاشم و ثریا کهریزی (۱۳۸۷). ژانه ژین، لالایی‌های مادران کرد، تهران: آنا.
۵. عامریان، حمید و امید شیوا (۱۳۹۰). شناخت فرهنگ و اقوام ایران‌زمین. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
۶. گروه نویسندگان (۱۳۷۱). فرهنگنامه کودکان و نوجوانان. ج. ۲. تهران: شرکت تهیه و نشر فرهنگنامه کودکان و نوجوانان.
۷. میرنیا، سیدعلی (بی‌تا). ایل‌ها و طایفه‌های عشایری کرد ایران. تهران: موسسه آموزشی و انتشاراتی نسل دانش.

ب) مقاله

- صفی‌زاده، فاروق (۱۳۷۸). «گذری بر ترانه‌های کردی». کلک. ش ۱۰۶.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی